

تحلیل موانع تجمیع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی شهرستان جیرفت

رضا موحدی *

دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

فاطمه علی توکلی

کارشناسی ارشد، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

چکیده

مشارکت زنان در تعاونی‌ها نه تنها توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی آن‌ها را در پی دارد، حتی مشارکت سیاسی آن‌ها را نیز بهبود می‌بخشد. بسیاری از کارشناسان توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور بر ضرورت تشکیل شرکت‌های تعاونی زنان تأکید می‌کنند. بر این اساس هدف پژوهش حاضر تحلیل موانع تجمیع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی بود. در این پژوهش تعاونی‌های زنان روستایی شهرستان جیرفت به عنوان منطقه مورد بررسی انتخاب و اطلاعات مورد نیاز پژوهش با روش پیمایشی و با استفاده از روش پرسشنامه کسب شده است. جامعه آماری پژوهش ۳۴۵ نفر از زنان عضو تعاونی‌های روستایی بودند که با روش نمونه‌گیری انتساب متناسب تعداد ۱۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد بین متغیرهای سن، میزان اتکای زنان به درآمد تعاونی، میزان رضایت زنان از عضویت در تعاونی و میزان رضایت از عملکرد مدیران با موانع تجمیع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌ها رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که از بین موانع مختلف مورد بررسی، موانع اقتصادی بیشترین اهمیت و تأثیر را دارند؛ سایر موانع به ترتیب شامل موانع مدیریتی، جغرافیایی، اجتماعی، آموزشی، خانوادگی و فردی بودند. نتایج معادلات ساختاری نیز نشان داد که مدل استفاده شده از برازش نسبتاً خوبی بهره‌مند بوده است و می‌توان نتیجه گرفت مدل مفهومی استفاده شده به صورت صحیح استخراج شده است.

واژگان کلیدی

سرمایه خرد، زنان روستایی، تعاونی، تعاونی زنان، موانع تجمیع

* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۸

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۴/۴

DOI: 10.22051/jwsp.2017.13849.1391

مقدمه و بیان مسأله

از آنجا که در دهه‌های اخیر زنان کشور ما دسترسی بهتری به دانش و اطلاعات فنی در عرصه‌های اقتصادی داشته‌اند، مشارکت داوطلبانه و آگاهی آن‌ها در این زمینه‌ها افزایش یافته است، ولی این در حالی است که زنان با موانع و محدودیت‌های فراوان بر سر راه تغییر و تحول شرایط اقتصادی و اجتماعی خود مواجه هستند (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). با توجه به شرایط اقتصادی- معیشتی و فقر مالی در روستاها که به ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی، فقدان سرمایه‌گذاری در زمینه‌های تولیدی و اشتغال‌زایی، کمبود پس‌اندازها و تشدید مهاجرت‌ها منجر شده است، یکی از موفقیت‌آمیزترین تجارب در توسعه روستایی، گسترش خدمات مالی برای افراد تنگدست و کم‌بضاعت روستایی به ویژه قشر زنان روستایی بوده است (مطیعی لنگرودی و بخشی، ۱۳۸۸: ۳۵).

زنان روستایی به عنوان قشر محروم و آسیب‌پذیر روستاها با ایجاد صندوق‌های اعتباری و با استفاده از پس‌اندازهای ناچیز خود می‌توانند در این صندوق‌ها سرمایه‌گذاری کنند و این مبلغ‌ها یک‌جا جمع شده و به صورت وام به متقاضیان پرداخت شود. ایجاد چنین صندوقی با مشارکت زنان روستایی در روستاها و پرداخت وام بدون وثیقه، سبب انتقال سرمایه از بانک‌های دولتی به این صندوق‌ها می‌شود (رستمی، ۱۳۸۵: ۴۸). با وجود مسائل و مشکلات اقتصادی گوناگونی که دولت با آن مواجه است، واگذاری فعالیت‌های مختلف به بخش‌های دیگر از جمله تعاونی‌ها امری حیاتی و بسیار مهم محسوب می‌شود. بنابراین، در فضای مشکلات مالی و اقتصادی ایران نظیر کمبود سرمایه و سرمایه‌گذاری کلان، سطح پایین اشتغال، توزیع نابرابر درآمدها، تعاونی‌ها می‌توانند با جذب سرمایه‌های خرد از راه تشکیل تعاونی‌های مالی و سرمایه‌ای راه حلی مناسب باشند. تعاونی‌ها می‌توانند با تجمیع سرمایه‌های اندک اعضا، اعتبار مالی را در خدمت تولید و اقتصاد کشور قرار دهند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۱). بنای تعاون در مرحله نخست به اتکای مردم و بر اساس نیازمندی و توانایی آن‌ها پی‌ریزی می‌شود، لیکن با وجود علاقه‌مندی افراد در همکاری و تعاون، شروع فعالیت و تداوم آن نیازمند جمع‌آوری سرمایه است. در واقع، تعاونی‌ها با جمع‌آوری سرمایه‌ها و پس‌اندازهای اعضا فعالیت می‌کنند و به مرور زمان با تأمین منابع مورد نیاز خود می‌توانند به شرکت‌های بزرگ تبدیل شوند و حجم انبوهی از محصولات و خدمات متنوع را ارائه کنند (بیات و لعل

فام، ۱۳۸۵). با ایجاد تعاونی زنان شرایط به نحوی مهیا می‌شود تا اعضاء از طریق اشتغال در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه خود وارد زندگی نوینی بشوند که سراسر تلاش و کوشش است. در یک نگاه کلی ویژگی‌های مثبت و ارزنده تشکیل تعاونی‌ها، ایجاد و تقویت روحیه تعاون، همکاری، تأمین نیازهای معیشتی و حرفه‌ای، بهبود سطح درآمد و زندگی، ارتقاء سطح آگاهی و اشتغال و افزایش تولید است (عطایی و زمانی میاندشتی، ۱۳۹۰).

در روستاهای شهرستان جیرفت فعالیت‌های تعاونی زنان تاکنون به صورت‌های مختلفی از جمله تشکیل تعاونی‌های فرش دستباف، تعاونی‌های صنایع دستی و... وجود داشته است. در زمینه مسائل مالی و اعتباری تنها فعالیت‌های تعاونی که تاکنون در این روستاها شکل گرفته و قدمت خیلی کوتاهی دارد، صندوق‌های اعتباری خرد هستند که طبق آمار سال ۱۳۹۰ این شهرستان، ۳ صندوق اعتبارات خرد با ۵۰ نفر عضو و سرمایه ۱۱۱ میلیون ریالی دارد. لذا توجه به تشکیل تعاونی‌های اعتباری زنان یا سایر تعاونی‌هایی ضروری است که در زمینه تجمع سرمایه‌های خرد فعالیت می‌کنند. ایجاد منبع کسب درآمد و افزایش قدرت اقتصادی خانوار یکی از مزایای عمده تجمع سرمایه‌های خرد زنان روستایی در قالب تعاونی‌های زنان روستایی محسوب می‌شود. درحالی که ظرفیت تعاونی‌های زنان روستایی شهرستان جیرفت برای تجمع سرمایه‌های خرد بالا و در حال افزایش است، اما زنان تمایلی به سرمایه‌گذاری در این تعاونی‌ها نشان نمی‌دهند و تاکنون هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری از طرف زنان در این تعاونی انجام نشده است. به همین خاطر ضروری است عواملی بررسی و شناسایی شود که مانع تجمع این سرمایه‌ها در تعاونی‌های مذکور می‌شود. لذا هدف از این پژوهش تحلیل موانع تجمع سرمایه‌های خرد^۱ زنان در تعاونی‌های زنان روستایی شهرستان جیرفت بود.

تأمین مالی خرد: تأمین مالی، هنر و علم مدیریت وجه نقد است. هدف از تأمین مالی، سرمایه‌گذاری، سودآوری، کاهش ریسک و برطرف کردن نیازهای اقتصادی و اجتماعی بنگاه است. هر نوع فعالیت نیاز به منابع مالی دارد. از این رو، منابع مالی را به شریان حیاتی بنگاه‌های اقتصادی و سازمان‌های کوچک و بزرگ تشبیه کرده‌اند. در حقیقت، هدف اصلی از هر نوع فعالیت اقتصادی سودآوری است و کسب سود بدون وجود منابع مالی امکان‌پذیر

نیست (پارماسیوان و سویرامانیان^۱، ۲۰۰۸: ۲۶).

اندرسون و لاکر^۲ (۲۰۰۲)، اعتبارات خرد را راهبردی در توسعه اقتصادی با هدف دسترسی زنان و مردان کم‌درآمد به منابع اعتباری می‌دانند که به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها منجر می‌شود. این راهکار، که به موقعیت‌های چشمگیری در کشورهای در حال توسعه نائل آمده است، سبب شد تا سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال اعتبارات خرد نام‌گذاری کند. در واقع، تأمین اعتبارات خرد اولین قدم برای کاهش فقر است، زیرا که این اعتبارات به مانند پنجره‌ای، افقی از فرصت‌های شغلی را برای جوامع روستایی نمایان می‌کند (سان یانگ و هوانگ^۳، ۲۰۰۸: ۶۶۷). اعتبارات خرد به عنوان راهبردی برای برون رفت از فقر در فضاهای روستایی در دهه ۱۹۷۰ مورد توجه بسیاری از کشورهای آسیایی به ویژه کشورهای جنوب و جنوب شرق قرار گرفت. یکی از تجارب موفق در خصوص پرداخت تسهیلات مالی (اعتبارات خرد) به روستاییان فقیر مربوط به کشور بنگلادش با تأسیس گرامین بانک در سال ۱۹۷۶ است. ارزشیابی اقدامات این بانک حاکی از موفقیت آن در ایجاد اشتغال، فقرزدایی، روحیه اعتماد به نفس و خوداتکایی سرپرست خانوارهای روستایی است (تیلاکارتان^۴، ۱۹۹۶: ۹۵). در گینه نو در کنار اعتبارات بانکی و دولتی، حمایت آژانس‌های بین‌المللی در جهت کاهش موانع توسعه روستایی و فقرزدایی به کارگرفته می‌شود و اقداماتی از قبیل کمک به رشد پس‌اندازها، آموزش و مدیریت، تأمین نهاده‌های کشاورزی، ایجاد اشتغال، مشارکت عمومی و توسعه کشاورزی انجام می‌شود و قوانین دولت ضمانت اجرای آن است (کاوانامور و رابرت^۵، ۱۹۹۹: ۱۹).

در پی موفقیت برنامه‌های تأمین مالی خرد در سطح جهان، طرح‌هایی در این زمینه در ایران اجرا شده است. اندیشه به‌کارگیری برنامه‌های تأمین مالی خرد، به دو شکل وارد ایران شد. نخست در دهه ۱۳۷۰ دستگاه‌های دولتی به ویژه جهاد کشاورزی و بانک کشاورزی برای اجرای این برنامه‌ها، فعالیت‌هایی انجام دادند. از آن‌جا که حوزه فعالیت این نهادها عمدتاً

-
1. paramasivan & Subramanian
 2. Anderson & Locer
 3. Sanyang & Huang
 4. Tilakaratan
 5. Kavanamur & Robert

روستاها بوده و هست، در این برنامه‌ها بر روستاییان به عنوان گروه هدف تأکید شده است. همچنین زنان گروه هدف بیشتر برنامه‌هایی از این قبیل را تشکیل داده‌اند. از جمله این برنامه‌ها می‌توان به صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی اشاره کرد. از اوایل دهه ۱۳۸۰ دومین موج برنامه‌های تأمین مالی خرد در ایران به راه افتاد. در موج جدید برنامه‌های تأمین مالی خرد، مردان نیز به عنوان مشتری پذیرفته می‌شوند. همچنین در طراحی برنامه‌های این دوره، مفهوم تأمین مالی خرد و ساز و کارهای آن به جای اعتبارات خرد به کار می‌رود (علالدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۳).

در مجموع به لحاظ نظری، تأمین اعتبارات خرد می‌تواند از طریق ایجاد فرصت برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های فیزیکی، مالی و انسانی زمینه افزایش درآمد و دارایی‌های شرکت‌کنندگان را فراهم آورد و در نتیجه موجب بهبود معیشت خانوارها شود. تأمین اعتبارات خرد علاوه بر افزایش درآمد و دارایی، می‌تواند صرف سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای خرد شود و به تنوع بخشی منابع درآمدی منجر شود (علاءالدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹). از طرفی دیگر اتفاق نظر فزاینده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه ریسک عدم بازپرداخت منابع مالی توسط زنان روستایی پایین بوده و زنان روستایی از وجوه دریافتی استفاده بهتری به عمل می‌آورند که باعث بهبود رفاه خانوار می‌شود. در واقع اعتبارات خرد قابلیت‌ها و ارزش‌های خود را در نقش ابزاری مؤثر در مبارزه با فقر و گرسنگی و افزایش توانمندی زنان اثبات کرده است (وهر و احمد، ۲۰۱۴: ۷۶).

در پژوهش حاضر سرمایه خرد شامل پول‌ها، پس‌اندازها، دارایی‌ها و اموالی است که زنان در اختیار دارند و این سرمایه به تنهایی برای آن‌ها قابلیت درآمدزایی را ندارد که اگر به صورت یکجا در قالب تعاونی جمع شوند، قابلیت اشتغال، درآمدزایی و تولید بیشتر را برای آن‌ها خواهند داشت.

موانع جذب سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌ها: زنان به دلیل سوگیری‌های ناشی از برخی قوانین مرتبط با مالکیت دارایی‌ها و اموال به جا مانده از متوفی، با موانع مشارکت در تعاونی‌ها مواجه هستند. زنان در برخی کشورها برای راه‌اندازی کسب و کار مستقل نیاز به کسب اجازه از شوهران خود دارند. در بعضی موارد، بر حقوق قانونی زنان تصریح شده، اما لزوماً اجرا

نمی‌شود و ممکن است تحت تأثیر حقوق عرفی قرار گیرد. همچنین ناکافی بودن حقوق اجتماعی، اقتصادی و قانونی نیز تا حدودی بیان‌کننده علت مشارکت پایین زنان در تصمیم‌گیری‌ها و کسب مشاغل مدیریتی در تعاونی‌هاست (فدایی بوشهری، ۱۳۹۲). در اتحادیه‌های تعاونی، محافظه کاری، استقلال‌طلبی و بدگمانی بین رقبا حس همکاری را تحت الشعاع قرار می‌دهد و در اعضا نسبت به کار دسته جمعی تردید به وجود می‌آید (برست^۱، ۱۹۹۹).

همچنین اعضا باید مطمئن شوند که سیاستگذاران و افرادی که سرنوشت تعاونی آن‌ها را بر عهده دارند، افرادی امین و دارای صلاحیت هستند. علاوه بر این یکی از عوامل مهم در برنامه‌های تعاونی عامل جغرافیایی است که در درجه اول مربوط به وسعت منطقه عمل سازمان‌های اداری و فواصل آن‌ها از واحدهای روستایی و صنعتی و چگونگی راه‌های ارتباطی و سپس بررسی مراکز تمرکز جمعیت و وضع دوری یا نزدیکی روستاها به شهرها است (فدایی بوشهری، ۱۳۹۲: ۵۵).

در این زمینه شاه و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی در کشور پاکستان، به این نتیجه رسیدند که سازو کارهای مختلفی از قبیل حمایتی، تسهیلاتی، سیاست‌گذاری، روان‌شناختی، آموزشی، پشتیبانی و غیره می‌تواند در تأمین مالی شرکت‌های تعاونی تأثیر گذار باشد. مولنگا (۲۰۱۰) نیز در تحقیقی مشابه عواملی مانند اطلاعات درباره مشتریان، هزینه‌های عملیاتی تولید محصول، سطح تحصیلات اعضا، قوانین و مقررات حمایتی، سطح مهارت‌های اعضا و دسترسی به سرمایه و رفاه را بر موفقیت برنامه‌های اعتبارات خرد روستایی مؤثر دانستند. همچنین ولچنگ (۲۰۰۲) در تحقیق خویش نتیجه گرفت که سطح تحصیلات اعضا و نظام‌های اطلاعات مدیریتی، هزینه نهاده‌ها و تولید، جنبه‌های بازاریابی و تنوع محصولات تولیدی و دسترسی به سرمایه مهم‌ترین عواملی هستند که به افزایش موفقیت برنامه‌های اعتبارات خرد روستایی منجر می‌شوند.

سان یانگ و هوانگ^۲ (۲۰۰۸) نیز در مطالعه خویش نشان دادند زمانی که اعتبارات خرد روستایی با دیگر مداخلات مانند آموزش مهارت‌های ساده و فنی شغلی و عوامل اجتماعی

1. Borst

2. Sanyang & Huang

مانند اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری اعضا و حمایت سازمان‌های غیر دولتی ادغام شود، می‌تواند در کارآفرینی موفقیت داشته باشد. شیوشیداپا^۱ (۲۰۱۳)، در تحقیق خود با عنوان تأثیر سرمایه خرد بر ایجاد درآمد و امرار معاش برخی گروه‌های خودیار، به این نتیجه دست یافت که برنامه‌های سرمایه خرد از طریق افزایش درآمد خانواده، بهبود خانواده و غیره قادر به کاهش فقر و آسیب‌پذیری بوده است. ظهیر^۲ (۲۰۱۵)، در تحقیقی با عنوان چالش‌های پیش روی مؤسسات سرمایه‌گذاری خرد در ریشه‌کنی فقر نتیجه گرفت که مؤسسات سرمایه‌گذاری خرد تأثیر مثبتی بر کاهش فقر در میان مردم دارد.

مطالعه دینینگر و لیو^۳ (۲۰۱۳) درباره زنان کارآفرین کشور هند نشان داد که برنامه اعتبارات خرد موجب افزایش توانمندی زنان و بهبود سطح تغذیه آن‌ها شده است، اما تأثیری بر درآمد آن‌ها نداشته است. نتایج بلندمدت برنامه از نتایج کوتاه مدت آن برای مردم بهتر ارزیابی شده است. در کوتاه مدت، برنامه موجب افزایش میزان مصرف و متنوع‌سازی درآمد شده است. هم‌چنین در پژوهش‌های ماتیسون^۴ (۲۰۰۳) مبنی بر تأثیر اعتبارات خرد در حل مشکلات مالی، نتایج نشان داد که زنان نه تنها توانسته‌اند بدهی و مخاطراتی همچون درمان بیماری‌ها را از سر بگذرانند، بلکه عده‌ای با اعتبارات خرد به کارآفرینی نیز روی آورده‌اند و از این رهگذر، در کسب درآمد برای خانواده خود مؤثر واقع شده‌اند.

واکوفاریس^۵ و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند مشکلات بین فردی، عدم درک اعضا از نقش‌های جدید خود به عنوان زنان شاغل و مشارکت اندک زنان، از مسائل مهم در زمینه عدم توفیق شرکت‌های تعاونی زنان در رسیدن به اهداف خود در یونان است.

موحدی و یعقوبی‌فرانی^۶ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل موانع و محدودیت‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی، به این نتیجه دست یافتند که از جمله موانع و محدودیت‌های کارآفرینی زنان روستایی شامل ویژگی‌های خانوادگی، شرایط فرهنگی - اجتماعی، عوامل

1. Sivachithappa
2. Dahir
3. Deininger & Liu
4. Mathison
5. Vakoufaris
6. Movahedi & Yaghoubi-Farani

اقتصادی، شرایط جغرافیایی و زیست محیطی و... هستند.

تیموری و همکاران (۱۳۹۳) پتانسیل تعاونی‌های کشاورزی استان همدان را در جذب سرمایه در بین دیگر حوزه‌های تعاون‌شناسایی کردند. طبق یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین معیار تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف تعاون، سازگاری با پتانسیل‌های فیزیکی منطقه، گزارش شده است.

فدایی بوشهری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «عوامل مرتبط بر حضور زنان در اقتصاد تعاونی در میان تعاونی‌های فعال زنان استان گلستان» به این نتیجه دست یافت که عامل مدیریتی از سایر عوامل (شخصی و فنی) اهمیت بیشتری در این زمینه داشته است. فال سلیمان و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان بررسی نقش شرکت‌های تعاونی روستایی زنان در وضعیت اقتصادی و اجتماعی اعضا، به این نتیجه رسیدند که نبود مشارکت عمومی، فقدان حمایت‌های ابتدایی نهادهای حمایتی، و... از جمله موارد مهم دیگری هستند که مسلماً در ناموفق بودن عملکرد اقتصادی و اجتماعی شرکتهای تعاونی روستایی زنان منطقه مؤثر بوده است.

یافته‌های پژوهش بریمانی و همکاران (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که اعطای تسهیلات اعتبارات خرد موجب توانمندسازی زنان عضو نسبت به زنان غیر عضو از طریق افزایش درآمد و اعتماد به نفس در نواحی روستایی و دهستان لکستان شهرستان سلماس شد. همچنین در بالا بردن میزان مشارکت و افزایش میزان کارایی زنان، تغییر نگرش مردان نسبت به توانایی زنان و بعضاً تشویق آنها از طریق کمک تأثیرگذار بوده است.

زارع و میرباقری (۱۳۹۲) در مورد عوامل مؤثر بر گرایش زنان روستایی به مشارکت در صندوق اعتبارات خرد تحقیقی را در استان مازندران انجام دادند که نشان داد متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی زنان روستایی، عوامل فرافردی، میزان هزینه-فایده ناشی از مشارکت در صندوق و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی با متغیر وابسته رابطه معنادار داشته‌اند.

حیدری مکرر و معصومی جشنی (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق اعتبارات خرد روستایی زنان تسهیل‌گر نتیجه گرفتند که در بعد اجتماعی، گویه (تا چه اندازه باعث تقویت حس مشارکت بین زنان عضو شده)، در بعد اقتصادی، گویه (تا چه اندازه در افزایش مبلغ وام‌های اعطا شده به زنان عضو موفق / است) و در بعد آموزشی، گویه (آموزش‌های لازم و مستمر برای زنان عضو)، مؤثرترین عوامل بر بهبود

مشارکت زنان در صندوق اعتبارات خرد روستایی هستند.

فوائدی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در مناطقی از شهرستان سریشه استان خراسان جنوبی نشان دادند که متغیرهای میزان استفاده از مجراهای ارتباطی، میزان تسهیلات اعطایی، میزان رضایت از صندوق و دفعات جلسات آموزشی برگزار شده در زمینه صندوق بیشترین سهم را در تغییرات متغیر میزان موفقیت صندوق دارند.

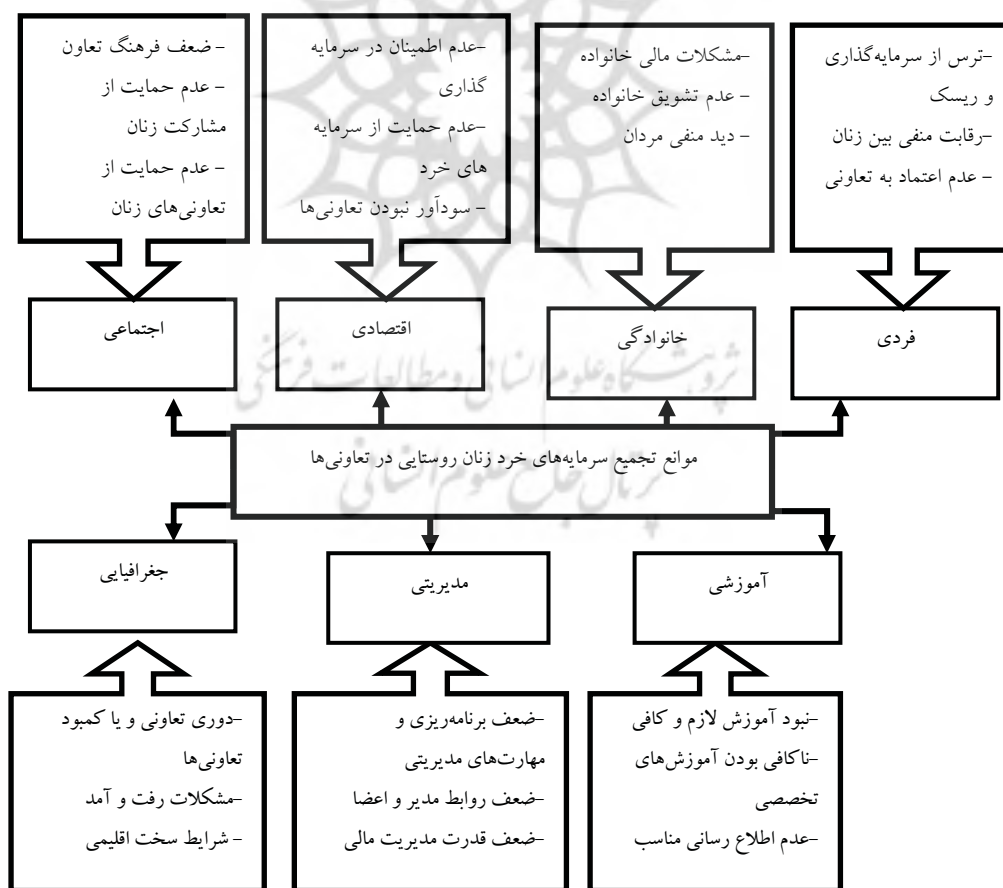
نجفی و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیق با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری و ابزارهای مناسب تأمین نقدینگی کشاورزان نتیجه گرفتند که سودآوری نهایی، اندازه واحد و نسبت بدهی به سرمایه از جمله عوامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری در تعاونی‌های روستایی است و شرکت‌های تعاونی روستایی از قدرت مدیریت مالی مناسبی بهره‌مند نیستند، لذا می‌توان گفت در این تعاونی‌ها ساختار سرمایه ضعیف بوده و ریسک مالی در این تعاونی‌ها بالاست و به تبع آن محدودیت‌های مالی افزایش و در نتیجه میزان سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

کوشکی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی استان کرمانشاه» نشان دادند که عوامل آموزشی - مدیریتی، اجتماعی - روان‌شناختی و اقتصادی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در صندوق اعتبارات خرد هستند.

غلامعلی‌زاده و رضایی مقدم (۱۳۸۸) در مطالعه چالش‌های عمده مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها، عواملی همچون فرهنگ مردسالاری، حجم زیاد فعالیت زنان در داخل و خارج از منزل، عدم دسترسی مناسب به متخصصان با تجربه و استفاده از نیروهای کم تجربه، به عنوان مهم‌ترین موانع مشارکت زنان در تعاونی‌ها معرفی می‌شوند. رحیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان تحلیل نگرش نسبت به مشارکت زنان در شرکت‌های تعاونی از دیدگاه کارشناسان تعاونی‌های زنان در ایران، مشارکت زنان را در فعالیتهای تعاونی متأثر از این عوامل می‌داند: عوامل اجتماعی و فرهنگی شامل دسترسی به فرصت‌های آموزشی، ارتقاء سطح مهارت‌های فنی و... عوامل اقتصادی عبارت از درآمد، فرصت شغلی و عوامل سازمانی عبارت از مشارکت در مدیریت، امنیت شغلی، محیط کاری مناسب، دسترسی به متخصصان و عوامل فردی - خانوادگی عبارت از سن، تحصیلات، سابقه خارج از منزل، ایجاد

اعتماد به نفس است.

اعظمی و سروش مهر (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آن‌ها در تعاونی تولید- مطالعه موردی: تعاونی توپ‌سازی شهرستان پاوه و اورامانات» به نتیجه رسیدند که از بین مؤلفه‌های فردی مورد مطالعه سابقه عضویت، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و سابقه مدیریت بیشترین تأثیرات علی را بر مشارکت زنان روستایی داشته‌اند. نجفی اصل (۱۳۸۵) طی مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافت که اعتبارات خرد بر توانمندسازی زنان روستایی تأثیرگذار است. از دیدگاه او، توانمندسازی زنان با استفاده از ابزار تأمین مالی خرد، راهی مناسب برای هدایت زنان به سمت انجام دادن فعالیت‌های تولیدی و درآمدزاست.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش پژوهش

نوع پژوهش حاضر کاربردی و روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش پیمایشی-توصیفی بود. اطلاعات مورد نیاز پژوهش به وسیله پرسشنامه جمع‌آوری شد. در این پژوهش متغیر وابسته نظرات پاسخگویان درباره موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی بوده است و متغیرهای مستقل شامل ویژگی‌های فردی، متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فردی، خانوادگی، آموزشی، مدیریتی، جغرافیایی و محیطی بوده‌اند. برای تعیین حجم نمونه در ابتدا به روش انتساب متناسب از کل جامعه که ۳۴۹ نفر بودند، تعداد ۱۸۳ نفر طبق فرمول کوکران انتخاب شدند و تعداد ۱۸۵ پرسشنامه در بین جامعه مورد مطالعه بر طبق سهم هر یک از شرکت‌های تعاونی (سهم هر شرکت بر اساس تناسب تعداد کل جامعه و تعداد اعضای نمونه است) به صورت تصادفی در بین اعضای توزیع شده است. در نهایت با حذف پرسشنامه‌های ناقص، ۱۸۰ پرسشنامه تکمیل شده تجزیه و تحلیل شد. توزیع فراوانی جامعه آماری در جدول زیر آمده است.

جدول ۱: حجم جامعه آماری به تفکیک تعاونی‌های زنان روستایی شهرستان جیرفت

شرکت‌های تعاونی زنان	حجم جامعه	حجم نمونه
شرکت تعاونی زنان نارجوئیه	۱۱۰	۵۶
شرکت تعاونی زنان جبالبارز	۱۸۲	۹۳
شرکت تعاونی زنان دلفارد	۵۰	۲۴
شرکت تعاونی زنان دیبا	۷	۷
جمع کل	۳۴۹	۱۸۰

داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شد. پرسشنامه در مجموع شامل ۹۰ سؤال بود که ۱۹ سؤال مربوط به مشخصات فردی و حرفه‌ای پاسخگویان و بقیه سؤالات مربوط به موانع اقتصادی (۱۳ سؤال)، فردی (۱۳ سؤال)، خانوادگی (۵ سؤال)، اجتماعی (۱۱ سؤال)، آموزشی (۹ سؤال)، مدیریتی (۱۴ سؤال) و جغرافیایی (۶ سؤال) بودند. در طراحی پرسشنامه از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شد که یکی از رایج‌ترین مقیاس‌های

اندازه‌گیری به شمار می‌رود. شایان ذکر است که برای درک بهتر سؤالات توسط مخاطب سؤالات مربوط به موانع آموزشی، مدیریتی و جغرافیایی به صورت طیف کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم طراحی شد که به پاسخ تمام گویه‌ها از ۱ تا ۵ نمره داده شد.

برای بررسی روایی پرسشنامه از پانل متخصصان شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه و کارشناسان اداره تعاون روستایی شهرستان جیرفت استفاده شد و آن‌ها اعتبار آن را تأیید کردند. برای سنجش پایایی پرسشنامه تعداد ۳۰ پرسشنامه طی یک پیش‌آزمون در اختیار زنان عضو تعاونی قرارگرفت و میزان پایایی سؤالات با استفاده از آزمون ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و ضریب به دست آمده نشان‌دهنده قابلیت بالای ابزار تحقیق برای گردآوری اطلاعات است (جدول ۲).

جدول ۲: آلفای کرونباخ محاسبه شده برای متغیرهای تحقیق

بخش‌های پرسشنامه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
موانع اقتصادی	۱۳	۰/۷۸
موانع فردی	۱۳	۰/۸۳
موانع خانوادگی	۵	۰/۹۲
موانع اجتماعی	۱۱	۰/۷۵
موانع آموزشی	۹	۰/۷۱
موانع مدیریتی	۱۴	۰/۸۲
موانع جغرافیایی	۶	۰/۸۹

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش انجام شد. در بخش آمار توصیفی از روش‌های آماری نظیر توزیع فراوانی، میانگین، درصد، کمینه و بیشینه، انحراف معیار، واریانس و در بخش آمار تحلیلی از روش‌هایی نظیر ضرایب همبستگی، تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شده است. به منظور پردازش داده‌ها از نرم افزار Spss نسخه ۲۱ و Lisrel نسخه ۸/۸ استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

توزیع فراوانی گروه‌های سنی جمعیت مورد مطالعه نشان می‌دهد که میانگین سنی آن‌ها ۳۳

سال با انحراف معیار ۹/۳۶ سال است. از زنان مورد مطالعه ۱۴۳ نفر (۷۹/۴٪) متأهل و ۳۷ نفر (۲۰/۶٪) مجرد بوده‌اند. محل سکونت ۱۶۰ نفر زنان مورد مطالعه روستا و ۲۰ نفر شهر بوده است. از مجموع ۱۶۰ نفر از زنان ساکن روستا، میانگین فاصله بین محل زندگی و تعاونی مخاطبان ۱۳ کیلومتر است. توزیع فراوانی سابقه (مدت) عضویت در تعاونی نشان می‌دهد که میانگین سابقه عضویت آن‌ها ۵ سال، با انحراف معیار ۲/۶۴ سال است. توزیع فراوانی سابقه کار غیر از تعاونی نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی شامل ۱۷۳ نفر (۹۶٪) مربوط به زنانی است که به جز تعاونی در شغل دیگری اشتغال ندارند. توزیع فراوانی وضعیت بیمه پاسخگویان از طریق تعاونی نشان داد که ۱۱۲ نفر از پاسخگویان (۶۲/۲ درصد) فاقد بیمه بودند.

جدول ۳ توزیع فراوانی میزان اتکا زنان به درآمد حاصل از تعاونی و میزان رضایت اعضا را نشان می‌دهد.

جدول ۳: توزیع فراوانی جامعه نمونه بر اساس میزان اتکا به درآمد حاصل از تعاونی و میزان رضایت اعضا

گویه										سؤال
خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		
ف	%	ف	%	ف	%	ف	%	ف	%	
۱۶/۱	۲۹	۳۰/۶	۵۵	۲۹/۴	۵۳	۱۷/۲	۳۱	۶/۷	۱۲	میزان اتکا به درآمد تعاونی
۱۸/۳	۳۳	۳۵	۶۳	۳۱/۱	۵۶	۱۴/۴	۲۶	۱/۱	۲	میزان رضایت از عضویت در تعاونی
۲۳/۳	۴۲	۳۵	۶۳	۲۹/۴	۵۳	۸/۹	۱۶	۱۸/۳	۶	میزان اولویت سرمایه‌گذاری در تعاونی
۱۲/۲	۲۲	۱۱/۱	۲۰	۳۰/۶	۵۵	۲۷/۸	۵۰	۱۸/۳	۳۳	میزان رضایت از درآمد حاصل از تعاونی
۱۰/۶	۱۹	۲۳/۹	۴۳	۳۳/۹	۶۱	۲۷/۸	۵۰	۳/۹	۷	میزان رضایت از عملکرد مدیران تعاونی

اولویت‌بندی موانع مختلف تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌ها

موانع اقتصادی: به منظور شناسایی موانع اقتصادی، با استفاده از مبانی نظری و پیشینه، تعداد ۱۳ گویه استخراج شده است. که بر اساس میانگین رتبه‌ای اولویت‌بندی شده‌اند. همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود همه موارد بیشتر از میانگین محاسبه شده‌اند که بالاترین اولویت‌ها به ترتیب به گویه عدم توزیع به موقع سود حاصل از فعالیت‌های تعاونی، سود آور نبودن فعالیت‌های تعاونی، مقرون به صرفه نبودن فعالیت در تعاونی‌ها، پایین بودن عملکرد تعاونی‌ها، عدم اطمینان و امنیت سرمایه‌گذاری در تعاونی، تمایل داشتن به سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیر تعاونی، نبود تقاضا برای محصولات تولیدی تعاونی نبود بازار فروش برای محصولات تولیدی در تعاونی، کیفیت نامناسب محصولات تولیدی، ترجیح به پس‌انداز کردن در بانک به جای تعاونی، حمایت نکردن تعاونی از سرمایه‌های خرد نبود تسهیلات بانکی برای سرمایه‌گذاران خرد، حمایت نکردن بیمه از ریسک سرمایه‌ای زنان.

جدول ۴: اولویت‌بندی موانع اقتصادی تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌ها

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	موانع اقتصادی
۱	.۲۴	.۹۸	۳/۹۳	عدم توزیع به موقع سود حاصل از فعالیت‌های تعاونی
۲	.۲۷	۱/۰۵	۳/۸۳	سود آور نبودن فعالیت‌های تعاونی
۳	.۲۵	۰/۹۵	۳/۸۲	مقرون به صرفه نبودن فعالیت در تعاونی‌ها
۴	.۲۸	۱/۰۳	۳/۶۵	پایین بودن عملکرد تعاونی‌ها
۵	۰/۳۰	۱/۱۰	۳/۶۳	عدم اطمینان و امنیت سرمایه‌گذاری در تعاونی
۶	۰/۳۸	۱/۳۷	۳/۵۵	تمایل داشتن به سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیر تعاونی
۷	.۲۷	.۹۸	۳/۵۳	نبود تقاضا برای محصولات تولیدی تعاونی
۸	.۳۲	۱/۱۳	۳/۵۲	نبود بازار فروش برای محصولات تولیدی در تعاونی
۹	.۳۲	۱/۰۸	۳/۳۷	کیفیت نامناسب محصولات تولیدی
۱۰	.۳۵	۱/۱۷	۳/۳۰	ترجیح به پس‌انداز کردن در بانک به جای تعاونی
۱۱	.۳۰	.۹۹	۳/۲۶	حمایت نکردن تعاونی از سرمایه‌های خرد
۱۲	.۴۰	۱/۲۹	۳/۲۲	نبود تسهیلات بانکی برای سرمایه‌گذاران خرد
۱۳	۰/۳۹	۱/۲۵	۳/۱۸	حمایت نکردن بیمه از ریسک سرمایه‌ای زنان

موانع فردی: بالاترین اولویت به ترتیب به گویه آگاهی نداشتن از سرمایه‌گذاری در تعاونی‌ها، عدم آگاهی درباره بازار فروش و اعتماد نداشتن به یکدیگر و کم‌ترین میانگین به ترتیب به اعتقاد نداشتن به پس‌انداز کردن برای آینده مربوط است.

جدول ۵: اولویت‌بندی موانع فردی تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌ها

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	موانع فردی
۱	۰/۲۱	۰/۹۰	۴/۲۶	آگاهی نداشتن از سرمایه‌گذاری در تعاونی
۲	۰/۲۴	۰/۹۹	۴/۰۷	عدم آگاهی درباره بازار فروش و شرایط بازار
۳	۰/۲۴	۰/۹۸	۴/۰۳	اعتماد نداشتن به یکدیگر
۴	۰/۲۸	۱/۱۲	۳/۹۷	وجود حس رقابت منفی و ناسالم در بین زنان
۵	۰/۲۵	۰/۹۶	۳/۷۳	نداشتن مهارت و تجربه به خاطر پایین بودن سطح آموزش
۶	۰/۳۰	۱/۱۳	۳/۶۸	ترس از دست دادن سرمایه در تعاونی
۷	۰/۲۸	۱/۰۴	۳/۶۶	ترس از ریسک سپرده‌گذاری
۸	۰/۳۳	۱/۰۸	۳/۲۳	نداشتن اعتماد به نفس در سرمایه‌گذاری
۹	۰/۳۳	۱/۰۶	۳/۱۸	اعتقاد نداشتن به تعاونی و فعالیت در قالب تعاونی
۱۰	۰/۳۶	۱/۱۷	۳/۱۷	تمایل نداشتن به افزایش سرمایه و سهم در تعاونی
۱۱	۰/۳۵	۱/۱۰	۳/۱۲	تصور منفی زنان درباره عدم پذیرش سرمایه‌های خرد
۱۲	۰/۳۶	۱/۱۳	۳/۱۰	نداشتن توان تصمیم‌گیری درباره سرمایه‌های شخصی
۱۳	۰/۳۹	۱/۱۸	۲/۹۶	اعتقاد نداشتن به پس‌انداز کردن برای آینده

موانع خانوادگی: طبق نتایج جدول، بالاترین اولویت به ترتیب به گویۀ مشکلات و محدودیت‌های مالی و اقتصادی خانواده و دید منفی مردان به فعالیت اقتصادی زنان و کم‌ترین میانگین به عدم تشویق همسران برای سرمایه‌گذاری مربوط است.

جدول ۶: اولویت‌بندی موانع خانوادگی تجمیع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌ها

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	موانع خانوادگی
۱	۰/۲۲	۰/۹۶	۴/۱۹	مشکلات و محدودیت‌های مالی و اقتصادی خانواده
۲	۰/۳۱	۱/۲۱	۳/۸۴	دید منفی مردان
۳	۰/۲۷	۱/۰۵	۳/۸۲	اجازه ندادن همسر برای سرمایه‌گذاری
۴	۰/۳۰	۱/۱۵	۳/۷۴	حجم بیش از حد کار خانواده
۵	۰/۳۴	۱/۲۰	۳/۵۰	عدم تشویق و حمایت همسران

موانع اجتماعی: بر اساس نتایج به‌دست آمده، بالاترین اولویت به ترتیب به گویه‌های عضویت نمادین زنان در تعاونی‌ها، فقدان فرهنگ تعاون در میان زنان و فرهنگ پدر سالاری و مرد سالاری و کم‌ترین میانگین به ترتیب به گویه‌های عدم آشنایی با مزایا و اهمیت سرمایه‌گذاری و کم رنگ بودن نقش تصمیم‌گیری زنان در فعالیت‌ها مربوط است.

جدول ۷: اولویت‌بندی موانع اجتماعی تجمیع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌ها

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	موانع اجتماعی
۱	۰/۲۲	۰/۹۰	۴/۰۵	عضویت صوری (نمادین) در تعاونی‌ها
۲	۰/۲۶	۰/۹۹	۳/۷۸	فقدان فرهنگ تعاون و همکاری در میان زنان
۳	۰/۲۵	۰/۹۸	۳/۷۷	فرهنگ پدرسالاری و مردسالاری
۴	۰/۳۱	۱/۱۲	۳/۵۷	عدم حمایت خانواده از سرمایه‌گذاری
۵	۰/۲۷	۰/۹۶	۳/۴۸	عدم حمایت از تعاونی‌های محلی و خودگردان زنان
۶	۰/۳۲	۱/۱۳	۳/۴۴	ضعف فرهنگ اشتراک در سهام‌داری
۷	۰/۳۰	۱/۰۴	۳/۴۳	عدم قدرت چانه زنی در مقابل همسر
۸	۰/۳۴	۱/۰۸	۳/۱۳	عدم برنامه‌ریزی دولت در رابطه با مشارکت زنان در جامعه
۹	۰/۳۴	۱/۰۶	۳/۰۸	پایین بودن سطح سواد زنان روستایی
۱۰	۰/۴۰	۱/۱۷	۲/۹۰	کم رنگ بودن نقش تصمیم‌گیری زنان در فعالیت‌ها
۱۱	۰/۵۲	۱/۱۰	۲/۱۰	عدم آشنایی با مزایا و اهمیت سرمایه‌گذاری

موانع آموزشی: طبق نتایج، بیشترین میانگین به ترتیب به گویه‌های فقدان اطلاع‌رسانی کافی توسط سازمان‌های مربوطه به زنان و ناکافی بودن آموزش‌های تخصصی و شغلی برای آنها و کم‌ترین میانگین به عدم رواج فرهنگ مناسب پس‌انداز و عدم تمایل زنان برای شرکت در برنامه‌های آموزشی مربوط است.

جدول ۸: اولویت‌بندی موانع آموزشی تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌ها

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	موانع آموزشی
۱	۰/۲۵	۱/۰۱	۳/۹۰	فقدان اطلاع‌رسانی کافی توسط سازمان‌های مربوطه
۲	۰/۳۰	۱/۰۹	۳/۵۸	ناکافی بودن آموزش‌های تخصصی و شغلی برای زنان
۳	۰/۲۹	۱/۰۷	۳/۶۵	استفاده نکردن از روش‌های مناسب برای اطلاع‌رسانی
۴	۰/۳۰	۱/۱۱	۳/۶۱	فقدان اطلاع‌رسانی درباره تجربه‌های زنان کشورهای دیگر
۵	۰/۳۲	۱/۱۸	۳/۵۹	نبود آموزش لازم و کافی برای زنان عضو
۶	۰/۳۳	۱/۱۷	۳/۵۱	فقدان برگزاری همایش و نشست در زمینه راه‌های جلب سرمایه‌های زنان
۷	۰/۳۶	۱/۲۷	۳/۵۰	عدم استفاده از روش‌های مناسب برای اطلاع‌رسانی به زنان عضو
۸	۰/۳۷	۱/۲۶	۳/۳۷	عدم تمایل زنان برای شرکت در برنامه‌های آموزشی
۹	۰/۴۱	۱/۲۷	۳/۰۷	عدم رواج فرهنگ مناسب پس‌انداز در میان زنان

موانع مدیریتی: بر اساس نتایج به‌دست آمده، گویه‌های وجود گرایش طایفه‌ای در جهت تعیین مدیریت تعاونی‌ها، کوتاه‌مدت بودن فعالیت برخی تعاونی‌ها و اجازه ندادن به مشارکت بقیه اعضا در فعالیت‌های مدیریتی به ترتیب دارای بیشترین میانگین و اولویت و گویه‌های ضعف روابط مدیریتی و اعضای زن و عدم شناخت کافی از تمایلات روستائیان توسط مدیریت و برنامه‌ریزی تعاونی‌ها به ترتیب دارای کم‌ترین میانگین و اولویت هستند.

جدول ۹: توصیف موانع مدیریتی تجمیع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌ها

اولویت	ضرب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	موانع مدیریتی
۱	۰/۳۷	۱/۴۰	۳/۷۳	وجود گرایش طایفه‌ای در جهت تعیین مدیریت تعاونی‌ها
۲	۰/۳۳	۱/۲۲	۳/۶۳	کوتاه‌مدت بودن فعالیت برخی از تعاونی‌ها
۳	۰/۳۱	۱/۱۵	۳/۶۱	عدم اجازه مشارکت به بقیه اعضا در فعالیت‌های مدیریتی
۴	۰/۲۷	۰/۹۸	۳/۵۳	ضعف برنامه‌ریزی در تعاونی‌ها
۵	۰/۳۸	۱/۳۰	۳/۴۰	عدم نظارت بر کار تعاونی‌ها
۶	۰/۴۶	۱/۴۳	۳/۰۸	عدم توانایی زنان در بازاریابی محصولات تولید شده
۷	۰/۴۱	۱/۲۸	۳/۰۵	عدم وجود سیستم کنترل و نظارت بر عملکرد و فعالیت زنان در تعاونی
۸	۰/۳۵	۱/۰۸	۳/۰۲	ضعف مهارت‌های مدیریتی هیأت مدیره تعاونی‌ها
۹	۰/۴۱	۱/۲۰	۲/۹۲	ضعف قدرت مدیریت مالی در بین زنان عضو
۱۰	۰/۳۵	۱/۰۳	۲/۸۹	مشخص نبودن ساختار مدیریتی تعاونی‌ها
۱۱	۰/۴۱	۱/۲۰	۲/۸۹	پایین بودن ظرفیت تعاونی‌ها برای سرمایه‌گذاری
۱۲	۰/۴۰	۱/۱۴	۲/۸۱	عدم توانایی مدیریت زنان در استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدها
۱۳	۰/۳۸	۱/۰۷	۲/۸۰	عدم شناخت تمایلات روستائیان توسط مدیریت و برنامه‌ریزی تعاونی‌ها
۱۴	۰/۴۰	۱/۱۲	۲/۷۸	ضعف روابط مدیریت و اعضای زن

موانع جغرافیایی: طبق نتایج، بیشترین میانگین به ترتیب به گویه‌های سخت بودن رفت و آمد برای حضور در تعاونی‌ها و دور بودن تعاونی به محل زندگی و کم‌ترین میانگین به وضعیت اقلیمی منطقه و نبود تعاونی مورد علاقه در محل زندگی مربوط است.

جدول ۱۰: توصیف موانع جغرافیایی تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌ها

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	موانع جغرافیایی
۱	۰/۳۲	۱/۲۳	۳/۸۰	سخت و مشکل بودن رفت و آمد برای حضور در تعاونی
۲	۰/۴۰	۱/۳۱	۳/۳۳	دور بودن تعاونی به محل زندگی
۳	۰/۳۵	۱/۱۹	۳/۳۲	مهاجرت بی‌رویه روستائیان به شهرها
۴	۰/۴۴	۱/۲۸	۲/۸۷	دوری روستا از شهر
۵	۰/۴۹	۱/۳۱	۲/۶۳	عدم وجود تعاونی مورد علاقه در محل زندگی
۶	۰/۴۳	۱/۱۳	۲/۵۹	وضعیت اقلیمی (گرمای هوا)

آمار استنباطی

به منظور بررسی ارتباط بین برخی ویژگی‌های فردی اعضای تعاونی‌ها با نظرات آن‌ها درباره موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی از ضرایب همبستگی استفاده شد. نتایج در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۱۱: جدول ضرایب همبستگی برخی ویژگی‌های فردی اعضا با موانع تجمع سرمایه‌های خرد در تعاونی‌های زنان روستایی

متغیر مستقل	مقیاس اندازه‌گیری	متغیر وابسته	مقیاس اندازه‌گیری	نوع ضریب همبستگی	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری
سن	فاصله‌ای	موانع تجمع سرمایه	شبه فاصله‌ای	پیرسون	-۰/۲۳**	۰/۰۰۲
سابقه تشکیل تعاونی	فاصله‌ای	موانع تجمع سرمایه	شبه فاصله‌ای	پیرسون	-۰/۲۰۸**	۰/۰۰۵
میزان اتکا به درآمد تعاونی	رتبه‌ای	موانع تجمع سرمایه	شبه فاصله‌ای	کندال	۰/۱۴۱*	۰/۰۱۱
رضایت از عضویت	رتبه‌ای	موانع تجمع سرمایه	شبه فاصله‌ای	کندال	-۰/۱۶۲*	۰/۰۴۷
رضایت از مدیران	رتبه‌ای	موانع تجمع سرمایه	شبه فاصله‌ای	کندال	-۰/۱۱۵*	۰/۰۴۰

نتایج نشان داد که بین متغیرهای مستقل سن، سابقه تشکیل تعاونی، میزان اتکا به درآمد حاصل از تعاونی، رضایت از عضویت در تعاونی و میزان رضایت از عملکرد مدیران با متغیر وابسته یعنی موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی رابطه معنادار وجود دارد. در صورتی که بین سطح تحصیلات، میزان رضایت از عملکرد خویش و میزان رضایت از درآمد حاصل از تعاونی با نظرات پاسخگویان درباره موانع تجمع سرمایه‌های خرد رابطه معناداری مشاهده نشد.

برازش مدل موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان روستایی

در این قسمت به منظور بررسی موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی از مدل معادلات ساختاری^۱ به کمک نرم‌افزار لیزرل^۲ استفاده شده است. در این بخش، ابتدا نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی هر یک از متغیرهای پژوهش توسط نرم‌افزار لیزرل به صورت جداگانه برای هر یک از متغیرها آورده شده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که در تحلیل عاملی تأییدی مدلی ساخته می‌شود که در آن فرض می‌شود داده‌های تجربی بر پایه چند پارامتر توصیف یا محاسبه می‌شوند. این مدل مبتنی بر اطلاعات قبلی درباره ساختار داده‌ها است. ساختاری که در قالب یک تئوری، فرضیه یا دانش حاصل از مطالعات پیشین به دست آمده است. در مدل معادلات ساختاری از یک طرف میزان انطباق داده‌های پژوهش و مدل مفهومی پژوهش بررسی خواهد شد که آیا از برازش مناسب بهره‌مند است و از طرف دیگر معناداری روابط در این مدل برازش یافته آزمون می‌شود. جدول ۱۲ محدوده دامنه شاخص و خوبی برازش را نشان می‌دهد.

-
1. Structural equation model (SEM)
 2. Lisrel

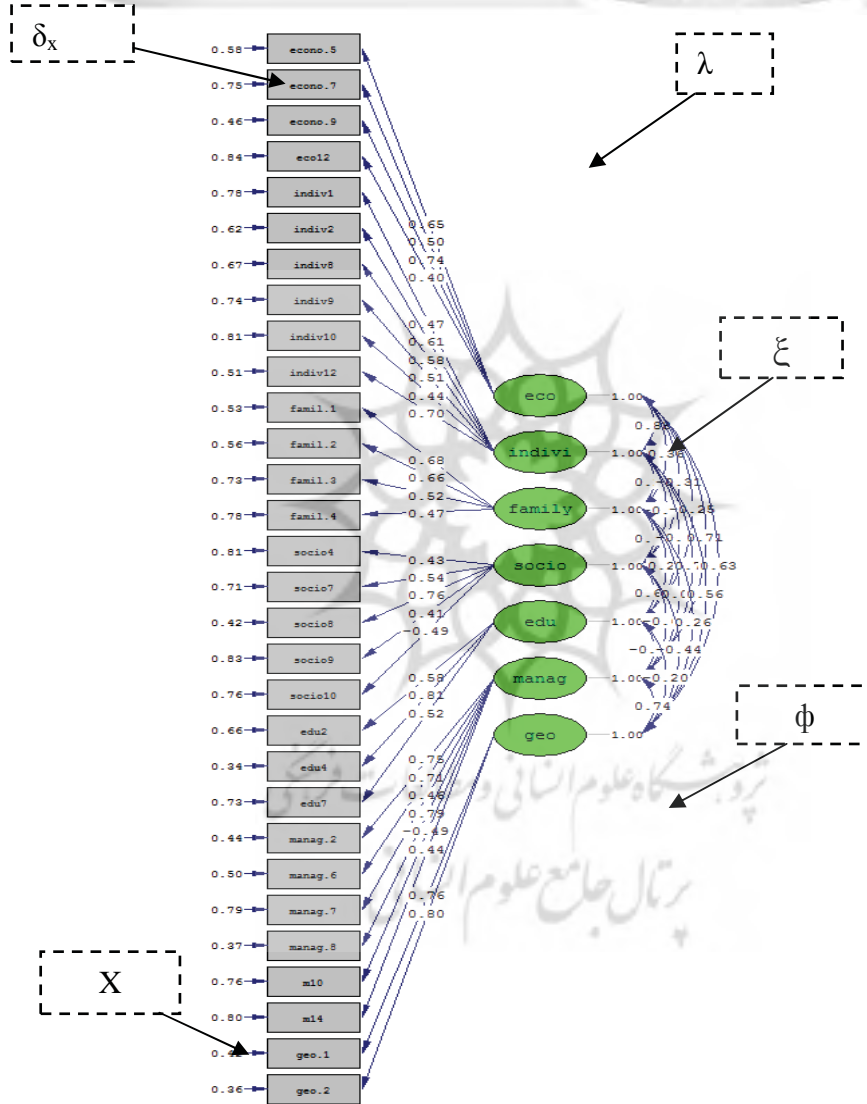
جدول ۱۲: محدوده دامنه شاخص و قابلیت خوب بودن برازش

گروه‌بندی شاخص‌ها	شاخص	برازش قابل قبول
شاخص‌های مطلق	X^2	بزرگتر از ۵ درصد
	GFI	۹۰ درصد > GFI
	AGFI	۹۰ درصد > AGFI
شاخص‌های برازش تطبیقی	NNFI	۹۰ درصد > NNFI
	NFI	۹۰ درصد > NFI
	CFI	۹۰ درصد > CFI
	IFI	۹۰ درصد > IFI
شاخص‌های برازش مقتصد	PNFI	بالاتر از ۵ درصد
	PGFI	بالاتر از ۵ درصد

تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول: در نمونه‌های عاملی مرتبه اول فرض بر این است که نمرات هر مطالعه در یک متغیر، در واقع منعکس‌کننده وضعیت آن مورد در یک عامل زیربنایی تر است که به دلیل پنهان بودنش اندازه‌گیری مستقیم آن وجود ندارد، اما این عامل پنهان خود از ابعاد پنهان دیگری محسوب نمی‌شود و در واقع تنها یک لایه از متغیرهای پنهان در مدل وجود دارد. در این قسمت با استفاده از نرم‌افزار لیزرل، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول برای متغیر موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی انجام می‌شود.

جدول ۱۳: متغیرهای مدل اندازه‌گیری موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی

مشکلات و موانع							
متغیرهای پنهان برون‌زا	اقتصادی	فردی	خانوادگی	اجتماعی	آموزشی	مدیریتی	جغرافیایی
علامت اختصاری	eco	indivi	Family	socia	edu	manag	geo



Chi-square= 940.14 , df= 384 , p-value=0.0000 , RMSEA= 0.081

شکل ۲: معناداری مدل اندازه‌گیری موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی

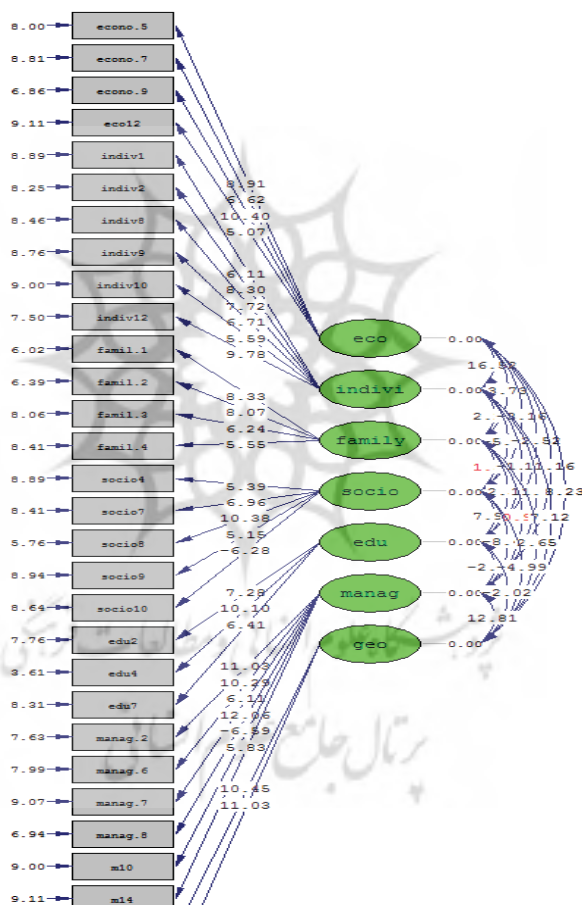
خروجی نرم‌افزار نشان‌دهنده مناسب بودن مدل اندازه‌گیری برازش یافته است (نسبت χ^2 به df کوچک‌تر از ۳ است). بنابراین، میزان χ^2 مقدار پایین و مناسبی است. سایر شاخص‌های برازش مدل در جدول ۱۴ آمده است. با توجه به نتایج زیر که از خروجی نرم‌افزار لیزرل به دست آمده است، برازش مناسب مدل نتیجه گرفته شد.

جدول ۱۴: شاخص‌های برازش برای مدل ساختاری موانع (مدل اصلاح شده)

گروه‌بندی شاخص‌ها	شاخص	مقدار شاخص	وضعیت
شاخص‌های برازش مطلق	GFI	۰/۷۶	نسبتاً مناسب
	AGFI	۰/۷۱	نسبتاً مناسب
	NNFI	۰/۸۴	نسبتاً مناسب
شاخص‌های برازش تطبیقی	NFI	۰/۷۸	نسبتاً مناسب
	IFI	۰/۸۶	نسبتاً مناسب
	CFI	۰/۸۵	نسبتاً مناسب
	PNFI	۰/۶۹	عالی
شاخص‌های برازش مقتصد	PGFI	۰/۶۳	عالی

مدل فوق اندازه‌گیری موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی را در حالت تخمین استاندارد نشان می‌دهد. نتایج تخمین حاکی از مناسب بودن مدل است. با توجه به خروجی لیزرل مقدار χ^2 (کای اسکور) محاسبه شده برابر ۹۴۰/۱۴ و df (درجه آزادی) آن ۳۸۴ و هم‌چنین نسبت کای اسکور به درجه آزادی معادل ۲/۴۴ به دست آمده است، پایین بودن میزان این شاخص نشان‌دهنده تفاوت اندک میان مدل مفهومی با داده‌های مشاهده شده تحقیق است. هم‌چنین مقدار RSMEA برابر با ۰/۰۸۱ است، که نشان از برازش مناسب دارد. البته، هر چه این مقدار کم‌تر باشد، مدل دارای برازش بهتری است. شاخص‌های برازندگی مطلق مدل GFI و AGFI یعنی اندازه‌ای از مقدار نسبی واریانس‌ها و کورایانس‌هاست که به گونه‌ای مشترک به وسیله مدل توجیه می‌شود. هر چه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد، برازش داده‌ها مناسب‌تر خواهد بود. این شاخص‌ها به حجم نمونه بستگی ندارد. این مقدار در اینجا نسبتاً مناسب است. هم‌چنین شاخص‌های برازش تطبیقی CFI و IFI نیز برازش مناسب مدل را نشان

می‌دهند. مطابق با جدول ۱۴ شاخص‌های برازش مقتصد مدل یعنی PNFI و PGFI دارای برازش عالی هستند.



Chi- square= 940.14 , df= 384 , p- value=0.0000 , RMSEA= 0.081

Chi- square= 940.14 , df= 384 , p- value=0.0000 , RMSEA= 0.081

شکل ۳: معناداری ضرایب همبستگی استاندارد شده مدل اندازه‌گیری موانع تجمیع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی

خروجی فوق قسمت معناداری ضرایب و پارامترهای به‌دست آمده مدل اندازه‌گیری موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی را نشان می‌دهد. چنانچه عدد معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ یا کوچک‌تر از ۱/۹۶- باشد، رابطه موجود در مدل پژوهش معنادار خواهد بود. شکل ۳ نشان می‌دهد کلیه روابط معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاکی از آن است که مهم‌ترین عاملی که باعث عدم تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌ها شده، عامل اقتصادی است. به این معنی که اعضا دارای مشکلات اقتصادی زیادی هستند، از جمله مهم‌ترین آن‌ها که تأثیر بیشتری هم داشته است، عدم توزیع به موقع سود فعالیت‌های تعاونی است. اعضا انتظار دارند که سود فروش محصولات در اسرع وقت به دست آن‌ها برسد، در حالی که سود پس از مدت طولانی به دست آن‌ها خواهد رسید، همچنین به دلیل این قبیل مشکلات اعضا ترجیح می‌دهند، در بخش‌هایی غیر تعاونی سرمایه‌گذاری کنند که سود آن را در کوتاه مدت دریافت خواهند کرد. که شیوشیداپا (۲۰۱۳)، دینگر و لیو (۲۰۱۳)، مولنگا (۲۰۱۰)، ماتیسون (۲۰۰۳)، ولچنگ (۲۰۰۲)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۳)، حسینی و همکاران (۱۳۹۱)، سامیان و همکاران (۱۳۹۱)، نامغ (۱۳۸۴) در پژوهش خود به اهمیت این موانع اشاره کرده‌اند. موانع مدیریتی در مرتبه دوم اهمیت و تأثیر قرار دارند به این صورت که مشکلاتی از قبیل نبود نظارت و کنترل بر عملکرد و فعالیت‌های تعاونی و همچنین گرایش طایفه‌ای در جهت انتخاب مدیران تعاونی‌ها از مهم‌ترین مشکلات مدیریتی تعاونی‌ها است؛ به این معنا که در برخی موارد اعضا صرفاً به خاطر گرایش‌های طایفه‌ای و فامیلی مدیر را انتخاب کرده بودند، در حالی که مدیر دارای صلاحیت‌های لازم نبوده است که در مطالعات چاد و کوک (۲۰۰۴)، چاد و میکائیل (۲۰۰۰)، رینولدز (۲۰۰۸)، گومز و سانتور (۲۰۰۳)، ولچنگ (۲۰۰۴)، ابزاری و همکاران (۱۳۸۶)، حسینی و سوری (۱۳۸۹)، کوشکی و دیگران (۱۳۹۰)، فدایی بوشهری (۱۳۹۲) نیز به این موانع اشاره شده است.

سپس مشکلات جغرافیایی به عنوان مشکل و مانع مهم در جهت تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌ها به شمار می‌روند، به این معنا که در بسیاری از روستاهای مورد مطالعه، شرکت‌های تعاونی در محلی قرار داشتند که دسترسی مدیر عامل به آن راحت‌تر باشد، در

حالی که خیلی از اعضا با محل شرکت تعاونی مشکل داشتند و رفت و آمد را برای آن‌ها سخت کرده بود که در پژوهش موحدی و یعقوبی فرانی (۲۰۱۲)، تیموری و همکاران (۱۳۹۳) نیز به اهمیت این موانع اشاره شده است. مشکلات و موانع اجتماعی در درجه بعدی اهمیت قرار دارد که از مهم‌ترین مسائل مربوط به این مانع نداشتن قدرت چانه‌زنی در مقابل همسر یا پدر و عضویت نمادین تعدادی از اعضا در تعاونی‌ها است. طبق آداب و رسوم حاکم بر منطقه مورد مطالعه، اگر مردان تمایلی به سرمایه‌گذاری در تعاونی‌ها نداشته باشند، زنان توانایی چانه‌زنی در برابر آن‌ها را ندارند که در پژوهش‌های پیت و همکاران (۲۰۰۳)، بریمانی و همکاران (۱۳۹۲)، رحیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۷)، فال سلیمان و همکاران (۱۳۹۲) به این موانع اشاره شده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان داد که برای گروه‌های سنی جوان‌تر، تعاونی‌هایی با سابقه تشکیل پایین‌تر و افرادی که به درآمد حاصل از تعاونی اتکای بیشتری داشتند، اهمیت و تأثیر موانع مورد بررسی پژوهش حاضر در زمینه تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی، بیشتر از سایر گروه‌ها است. به طوری که افراد جوان‌تر و کسانی که از نظر درآمدی وابستگی بیشتری به تعاونی دارند، با موانع بیشتری مواجه هستند. زیرا اکثر افراد در شغلی غیر تعاونی به عنوان منبع درآمدی اشتغال نداشتند. همچنین افرادی که از عضویت در تعاونی و عملکرد مدیران رضایت کم‌تری داشتند، اهمیت موانع مورد بررسی را بیشتر می‌دانستند. به عبارتی این افراد با موانع و مشکلات بیشتری مواجه بودند که در پژوهش اعظمی و سروش مهر (۱۳۸۹) به این عوامل نیز اشاره شده است.

با توجه به نتایج به دست آمده، آزمون‌های نیکویی برازش نشان دادند که مدل مفهومی موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان روستایی مورد مطالعه، برازش نسبتاً خوبی داشته و در جامعه آماری پژوهش، صحیح به کارگرفته شده است. در مقایسه با تحقیقات انجام شده در گذشته، پژوهش حاضر از لحاظ تحلیل‌های آماری اولین پژوهش است. در این پژوهش ضمن بررسی موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی، مدل ارائه شده نیز آزمون شده است. همان‌طور که اشاره شد این مدل از برازش نسبتاً خوبی بهره‌مند بوده است. در این راستا شیوشیداپا (۲۰۱۳)، مولنگا (۲۰۱۰)، ولچنگ (۲۰۰۲) چامبو (۲۰۰۹) کبیر (۲۰۰۱)، واکوفریس و همکاران (۲۰۰۷)، پاتاک و کومار (۲۰۰۵) گومز و سانتور (۲۰۰۳)، پیت و

همکاران (۲۰۰۳)، کوشکی و دیگران (۱۳۹۰) سامیان و همکاران (۱۳۹۱)، تیموری و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقات خود به وجود موانع مورد بررسی اشاره کرده‌اند.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر می‌توان پیشنهادات زیر را به منظور کاهش موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی ارائه داد.

نتایج پژوهش نشان داد زنان جوان‌تر با موانع بیشتری مواجه هستند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که در برنامه‌ریزی‌ها و ارائه آموزش‌های لازم، افراد جوان‌تر عضو تعاونی در اولویت قرار گیرند. طبق یافته‌های پژوهش بین میزان اتکای فرد به درآمد حاصل از تعاونی با موانع تجمع سرمایه همبستگی مثبت بود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود از افرادی که وابستگی زیادی به درآمد حاصل از تعاونی دارند، برای سرمایه‌گذاری در جهت تجمع سرمایه‌های خرد آن‌ها بیشتر استفاده شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است افرادی که از عضویت خود در تعاونی و عملکرد مدیران رضایت کم‌تری داشتند، اهمیت موانع تجمع سرمایه‌های خرد را بیشتر می‌دانستند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که در بدو عضویت اعضا در تعاونی‌ها، شرایط برای شناخت، آگاهی و اطلاع اعضا نسبت به اهداف، مقاصد و قوانین تعاونی فراهم شود. همچنین عوامل نظارتی بر تعاونی‌ها باید به گونه‌ای عمل کنند که شرایط برای رضایت اعضا از هیئت مدیره فراهم شود.


بر اساس نتایج تحقیق موانع اقتصادی مهم‌ترین مانع در زمینه تجمع سرمایه‌های خرد زنان است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود به منظور برطرف شدن موانع اقتصادی تلاش و برنامه‌ریزی بیشتری نسبت به سایر عوامل اعمال شود، از این طریق که اعضا نسبت به دریافت سودشان اطمینان داشته باشند و در اسرع وقت سود فروش محصولاتشان را دریافت کنند.

همچنین با توجه به اهمیت موانع و مسائل مدیریتی در جهت تجمع سرمایه‌ها پیشنهاد می‌شود که جهت استفاده از قابلیت‌ها و توانایی‌های دیگر اعضای تعاونی در اعضای هیئت مدیره تغییر و تعویض انجام شود و اعضای هیئت مدیره تلاش کنند جو تعامل، همدلی و اعتماد را از طریق ارتباطات و روابط دوستانه بین اعضا ایجاد کنند، همچنین افرادی به عنوان هیئت مدیره انتخاب شوند که دارای صلاحیت، شایستگی و مهارت‌های انسانی و فنی و تجربه کافی باشند و با مسائل تعاونی‌های زنان آشنا باشند.

بر اساس نتایج پژوهش، مهم‌ترین گویه موانع جغرافیایی سخت بودن رفت و آمد برای

حضور در تعاونی‌ها است که بر این اساس پیشنهاد می‌شود حتی الامکان شرکت‌های تعاونی در مکان‌هایی قرار گیرند که همه اعضا دسترسی راحت‌تری به آن داشته باشند.

با توجه به اهمیت موانع اجتماعی و آموزشی در جهت تجمیع سرمایه‌های خرد زنان پیشنهاد می‌شود که بستر و زمینه لازم برای شناخت بهتر اعضا از یکدیگر در جهت ایجاد اعتماد و تعامل بیشتر بین اعضا فراهم شود. کلاس‌های آموزشی در زمینه افزایش مهارت‌های فنی و تخصصی مورد نیاز زنان برگزار شود. آموزش‌های توجیهی و مقدماتی در خصوص مشارکت فعال اعضا و اهمیت آن، توسط کارشناسان انجام شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابزاری، مهدی، دستگیر، محسن و قلی‌پور، علی (۱۳۸۶). بررسی و تجزیه و تحلیل روش‌های تأمین مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، ۴: ۸۹-۷۳.
- اعظمی، موسی و سروش مهر، هما (۱۳۸۹). تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آن‌ها در تعاونی تولید - مطالعه موردی: تعاونی توپ‌سازی شهرستان پاوه و اورامانات، پژوهش‌های روستایی، ۴: ۲۰۴-۱۷۹.
- بریمانی، فرامرز، نیک‌منش، زهرا و خداوردی لو، سهیلا (۱۳۹۲). بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی نمونه موردی، دهستان لکستان شهرستان سلماس، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۱(۱): ۸۲-۶۹.
- بیات، اصغر و لعل فام، بابک (۱۳۸۵). بیانیه هویت تعاونی از نظر تا عمل، تهران: وزارت تعاون، تیموری، مصطفی،، ریحانی همدانی، حسن،، حاجیان، محمد هادی و تیموری، محمود (۱۳۹۳). شناسایی پتانسیل تعاونی‌های کشاورزی استان همدان در جذب سرمایه در بین دیگر حوزه‌های تعاون با استفاده از تکنیک AHP، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، ۱(۳): ۶۱-۴۷.
- حسینی، سیدشمس‌الدین و سوری، امیررضا (۱۳۸۹). سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، راهبرد اجرای شیوه‌های نوین تأمین مالی تعاونی‌ها در ایران، فصلنامه تعاون، سال بیستم، شماره ۲۱۲: ۳۲-۱.
- حسینی، مهدی، اشرفی، یکتا و صیامی عراقی، ابراهیم (۱۳۹۰). بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران با معرفی متغیرهای جدید، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۹(۶۰): ۳۴-۱۹.
- حیدری مکرر، حمید و معصومی جشنی، مهدی (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق اعتبارات خرد روستایی زنان تسهیلگر (مطالعه موردی: بخش سرجهان، شهرستان بوانات، استان فارس)، دو فصلنامه اندیشه جغرافیایی، ۶(۱۱): ۶۹-۸۶.

رحیم‌زاده، معصومه، رستمی، فرحناز، رسولی، فاطمه و شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۷). تحلیل نگرش نسبت به مشارکت زنان در شرکت‌های تعاونی از دیدگاه کارشناسان تعاونی‌های زنان در ایران، مجله علوم اجتماعی، ۵۶-۲۵.

رستمی، فرحناز (۱۳۸۵). زنان روستایی و صندوق اعتبارات خرد، مجله پیام زن، ۱۷۳: ۴۸-۵۱. زارع، بیژن و میرباقری، اکرم (۱۳۹۲). مطالعه عوامل فردی اجتماعی مؤثر بر گرایش به مشارکت زنان روستایی در صندوق اعتبارات خرد استان مازندران، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۶): ۴۶۱-۴۹۸.

سامیان، مسعود، اسدی، مسعود و نصیری، مجید (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های روستایی مطالعه موردی: تعاونی‌های روستایی منتخب شهرستان همدان، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه روستایی، ۱۴ و ۱۵ شهریور، دانشگاه گیلان. سروش مهر، هما (۱۳۹۴). بررسی راهکارهای جذب سرمایه‌های خرد جهت تشکیل تعاونی در شهرستان همدان، طرح پژوهشی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

عطایی، پوریا و زمانی میاندشتی، ناصر (۱۳۹۰). نقش تعاونی‌های زنان روستایی در توانمندسازی اعضا، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۲-۴۲(۳): ۴۴۴-۴۳۳. علاءالدینی، پویا و جلالی موسوی، آزاده (۱۳۸۹). ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران، فصلنامه توسعه روستایی، ۲(۲): ۶۱-۷۶.

غلامعلی زاده، ثمیه و رضایی مقدم، کوروش (۱۳۸۸). چالش‌های عمده مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، ۷(۲۵): ۲۵-۱۹.

فال سلیمان، محمود، میکائیکی، جواد، صادقی، حجت الله و دزگی، عالیه (۱۳۹۲). بررسی نقش شرکت‌های تعاونی روستایی زنان در وضعیت اقتصادی و اجتماعی اعضا (مطالعه موردی شرکت‌های تعاونی خوسف و خراشاد در استان خراسان جنوبی)، مجله برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، ۳(۱۴): ۹۵-۱۱۶.

فدایی بوشهری، محبوبه (۱۳۹۲). بررسی عوامل مرتبط بر حضور زنان در اقتصاد تعاونی در

- میان تعاونی‌های فعال زنان (مطالعه موردی، استان گلستان)، میکرو پروژه، اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان. ۱۰۵ صفحه.
- فوائدی، فرزانه، چهارسوقی امین، حامد و علی‌پور، حسن (۱۳۹۰). عوامل تأثیرگذار بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی (مطالعه موردی: پروژه بین‌المللی ترسیب کربن)، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۴(۴): ۶۵-۴۹.
- کوشکی، فاطمه، ایروانی، هوشنگ و کلانتری، خلیل (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی: مطالعه موردی استان کرمانشاه، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۴(۱): ۳۳-۱۵.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن و بخشی، زهرا (۱۳۸۸). نقش اعتبارات بهسازی مسکن در توانمندی و ماندگاری جمعیت روستایی دهستان بیهق، شهرستان سبزوار، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۸۲: ۳۱ تا ۴۶.
- نامغ، پرویز (۱۳۸۴). مدیریت تعاونی‌ها، تهران، هستان.
- نجفی، بهاء‌الدین، طرازکار، محمدحسین و شیروانیان، عبدالرسول (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری و ابزارهای مناسب تأمین نقدینگی کشاورزان: مطالعه موردی شرکت‌های تعاونی روستایی استان فارس، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۳(۴): ۳۶-۱۷.
- Aazami, A. Soroushmehr, H. (2011). The effect of rural women's personal and economic variables in their participation on producer co-ops- case study: Paveh and Uranamat's Ball Making Co-Ops, *Journal of Rural Research*, 4 (4): 179-204.
- Abzari, M. Dastgir, M. & Gholipour, A. (2008). Reviewing and analyzing methods of financing the accepted corporations in Tehran Stock Exchange, *Quarterly Journal of Economical Reviews*, 4 (4): 73-89.
- Alaeddini, P. & Jalali-Moosavi, A. (2011). Assessing the effectiveness of supporting program micro financial facilities and rural women's micro credit fund in Iran, *Rural Development Quarterly*, 2 (2): 61-76.
- Anderson, L. & Locer, L. (2002). Microcredit, social capital and common pool resources. *World Development*, 30(1): 95- 105.
- Ataei, P. Zamani-Miandashti, N. (2012). The role of rural women's co-ops in members' empowerment, *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development*, 42 42(3): 433-444.

- Bayat, A. & Laalfam, B. (2007). Co-op's identification statement from theory to practice, Tehran: Ministry of Co-op Publications.
- Berimani, F. Nikmanesh, Z. Khodaverdilou, S. (2014). Reviewing on micro credits roles in rural women empowerment, case study: Lakestan Village in Salmas County, *Space Economy and Rural Development*, 1(1): 69-82.
- Borst, A. (1999). Networking Difficulties: Termination of Georgia Wood Rural cooperative, *Journal of Business and Industrial Marketing*, 13(1): 22-39.
- Chaddad, F. R., M. L. Cook & T. Heckelei. (2005). Testing for the Presence of Financial Constraints in US Agricultural Cooperatives, *An Investment Behaviour Approach*, 56(3): 385-397
- Chaddad, F. & Michael, C. (2004). Understanding new cooperative models: an ownership rights topology of co-operative models, *Journal of Agricultural Economics*, 26, 348-360.
- Dahir, A. M. (2015). The Challenges Facing Microfinance Institutions in Poverty Eradication: A Case Study in Mogadishu, *International Journal of Humanities Social Sciences And Education (IJHSSE)*, 2 (2), 56-62.
- Deininger K. & Liu Y. (2013). Economic and social impacts of an innovative self-Help group model in indina, *World Development*, 43,149- 163.
- Fadaibushehri, M. (2014). Study on factors affecting women's attend to co-op's economy among women's active co-ops, case study in Golestan province, research project by Golestan Province Administration of Cooperation, Labour and Social Welfare, Gorgan, Iran.
- Falsoleyman, M. Mikaniki, J. Sadeghi, H.& Dezgi, A. (2014). Study on role of rural women's co-ops firms in members' socio-economic status, case study of Khosf and Khrashad Region in South Khorasan Province, *Spatial Planning Journal (Geography)*, 3 (4): 95-116.
- Favayedi, F. Charsughia-Amin, H. Alipour, H. (2012). Factors affecting the success of rural women's micro credits fund, case study: International project of carbon stabilization, *Rural and Development Journal*, 14 (4): 49-65.
- Gholamalizadeh, S. & Rezaeimoghadam, K. (2010). The main challenges of rural women's participation in co-ops, *Agricultural and Natural Resource Engineering System Journal*, 7 (25): 19-25.
- Gomez. R. & Santor. E, (2003). Do peer group members out perform individual borrowers? A test of peer group lending using Canadian Microcredit data, working paper.
- Heydari-Mokarar, M. & Maasoomi-Jashni, M. (2013). Factors affecting the improvement of women's participation in rural micro credit fund of women's

- facilitator (case study: Sarchehan Region in Bavanat County, Fars), *Geographical Thinking*, 6 (11): 69-86.
- Hosseini, M. Ashrafi, Y. Siami-Araghi, E. (2012). Reviewing on the relationship between financial development and economic growth in Iran by introducing new variables, *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 60, 19-34.
- Hosseini, S. & Souri, A.R. (2011). National policies of 44 Act, administrative strategy of co-ops' financing modern methods in Iran, *Quarterly Journal of Co-Op*, 212, 1-32.
- Kavanamur, D. & Robert T. (1999). Sustainable Credit Schemes for Rural Development in Papua New Guinea. Retrieved 5 May 2017. Available on: www.deve.Net.
- Koshki, F. Iravani, H. & Kalantari, K. (2012). Factors affecting the improvement of women's participation in rural micro credits fund, case study: Kermanshah province, *Rural and Development Journal*, 14 (1): 15-33.
- Mathison, S. (2003). Microfinance and disaster management, Retrieved 14 August 2016. Available on: www.developmentgateway.con.au.
- Motiee-Langroudi, H. & Bakhshi, Z. (2010). Role of house development credits in empowering and remaining rural population in Beyhagh Village, Sabzevar County, *Human Geographical Research*, 82, 31-46.
- Movahedi, R. & Yaghoubi-Farani, A. (2012). Analysis of the barriers and limitations for the development of rural women's entrepreneurship, *Entrepreneurship and Small Business*, 15(4): 469- 487.
- Mulunga, M. A. (2010). Factors affecting the growth of microfinance institution in Namibia, Unpublished dissertation, Bellville: University of Stellenbosch.
- Najafi, B., Trazkar, M. H. & Shirvanian, A. (2012). reviewing on factors affecting the investment and proper methods of farmers' bankroll provision, case study of rural coops firms in Fars province, *Agricultural Economic Research*, 3 (4): 17-36.
- Namegh, P. (2006). Co-ops' Management. Tehran: Hastan publications.
- Paramasivan.C & Subramanian.T. (2008). *Financial Management*. New Age International Publisher.
- Pitt, M., Khandkr, S. & Cartwright, J. (2003). Empowering Women with Micro Finance Evidence from Bangladesh. *Economic development and cultural change*. Pp.792- 831.
- Rahimzadeh, M. Rostami, F. Rasouli, F. Shabanali-Fami, H. (2007). Analyzing the attitude towards women's participation in co-ops' firms from view point of women's co-ops experts in Iran, *Social Science Journal*, 3(2): 25-56.

- Rostami, F. (2007). Rural women and micro credits fund, *Woman Message Journal*, 173, 48-51.
- Samian, M. Asadi, M. & Nasiri, M. (2013). Reviewing on factors affecting the success of rural co-ops, case study: selected rural co-ops in Hamedan's county, paper presented on rural development national conference, 4-5, September, 2012, Rasht, Gilan University.
- Sanyang, E. S. & Huang, W. (2008). Micro-financing: Enhancing the role of women's group for poverty alleviation in rural Gambia, *World journal of Agricultural Sciences*, 4(6): 665- 673.
- Shah, S., Amjad, S., Hasnu, S., & Amir Shah, S.M. (2010). Financing the current assets: approach followed by small and medium enterprises in Pakistan, *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in business*, 2(7): pp 136-144.
- Sivachithappa, K. (2013). Impact of Micro Finance on Income Generation and Livelihood of Members of Self Help Groups , A Case Study of Mandya District, India, 228 – 240.
- Soroushmehr, H. (2015). Study on solutions for micro financing in establishing cooperation in Hamedan's county, research project by Hamedan Province Administration of Cooperation, *Labour and Social Welfare*, Hamedan, Iran.
- Teymoori, M. Reyhani-Hamedani, H. Hajian, M.H. & Teymoori, M. (2015). Identifying agricultural co-ops potential of Hemadan's province for investing among other co-op's areas using AHP technique, *Quarterly Journal of Rural Development Strategies*, 1 (3): 47-61.
- Tilakaratan, S .(1996). Credit Schemes for Rural Poor: Some Conclusion and Lessons from Practice, International Labor Organization (ILO).
- Vakoufari, H., Kizos, TH., Spilani, I., Kolouri, M., & Zacharaki, A. (2007). Women,s cooperatives and their contribution to the local development of the North Aegean Region, Greece, *Journal of Rural Cooperation*, 35(1):19- 41.
- Volschenk, J. (2002). Problems experienced by South African Microfinance Institutions (MFLs): priorities and trends. Unpublished dissertation. Bellville: University of Stellenbosch.
- Weber, O., & Ahmad, A. (2014). Empowerment throgth microfinance: The relation between loan cycle and level of empowerment, *World Development*, 62: 75- 87.
- Zare, B.& Mirbagheri, A. (2014). Study on personal and social factors affecting rural women's participation in micro credits fund of Mazandaran province, *Social Welfare Quarterly*, 12 (46): 461-498.

نویسندگان

رضا موحدی

r.movahedi@basu.ac.ir

دارای مدرک دکترای تخصصی در رشته آموزش کشاورزی از دانشگاه هومبولت برلین در سال میلادی ۲۰۰۹- مدت ۱۸ سال سابقه تدریس در دانشگاه در رشته ترویج و آموزش کشاورزی- هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی تمام وقت در دانشگاه بوعلی سینا همدان با درجه علمی دانشیار مشغول به کار است. ایشان تاکنون ۱۴ عنوان طرح‌های پژوهشی در دانشگاه و سازمان‌های دولتی به انجام رسانده‌اند. همچنین ۱۲ عنوان کتاب به صورت ترجمه‌ای و گردآوری و ۶۳ مقاله علمی در مجلات معتبر داخلی و بین‌المللی به چاپ رسانده‌اند.

فاطمه علی توکلی

f.alitavakoli93@gmail.com

دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد در رشته ترویج و آموزش کشاورزی از دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۹۴ است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Analyzing Obstacles of Microfinance Capital Accumulation of Women into Rural Women's Cooperatives in Jiroft County

Reza Movahedi¹
Fatemeh Alitavakoli²

Abstract

Women's participation in cooperatives has an empowerment role in economic, social, and psychological issues; it even improves their political participation. Many economic and social development experts in Iran stress on the need for the women's cooperative firms. Therefore, the purpose of this study was to analyze the obstacles of mobilization microfinance (MF) of rural women's cooperatives. Jiroft County has been selected as the target area and required data were gathered through survey method using questionnaire technique. The study population included 345 women members of rural cooperatives from which 180 samples were selected by an optimal proportion sampling method. The results showed that there is a significant relationship between the variables of age, level of dependency on cooperative income, the members' satisfaction from membership in the cooperative and satisfaction from the performance of managers and the variable of obstacles of accumulation women capital microfinance (MF) in cooperatives. The results also showed that among different obstacles for mobilization women microfinance (MF) in cooperatives the economic barriers had the highest importance and impact. The rest of barriers were: managerial, geographic, social, educational, family and individual respectively. The results of the structural equation showed that the used model has had rather good fitness.

Key words

Microfinance (MF), Rural Women, Cooperative, Women's Cooperatives, Obstacles of Accumulation.

1. Associate Prof., Agricultural Extension and Education Dep., College of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

2. M.Sc. Graduated, Agricultural Extension and Education Dep., College of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

DOI: 10.22051/jwsp.2017.13849.1391

Submit Date: 2017-01-27

Accept Date: 2017-06-25